

آیا «لیله المبيت» برای امیرمؤمنان علیه السلام فضیلت است؟

آیا «لیله المبيت» برای امیرمؤمنان علیه السلام فضیلت است؟..... ۱

سؤال:..... ۳

پاسخ اجمالی:..... ۴

پاسخ تفصیلی..... ۵

مقدمه : خوابیدن حضرت علی علیه السلام در جای پیامبر اجماعی است..... ۵

پاسخ اول: اصل خوابیدن حضرت علی علیه السلام، اطاعت از خدای متعال بود ۶

روایات شیعه : حضرت علی علیه السلام از دستور خدا اطاعت کرد..... ۶

طحاوی : حضرت علی علیه السلام از دستور پیامبر (ص) اطاعت کرد!..... ۹

صحابه و امتناع از دستور رسول خدا (ص) با وجود علم به عدم خطر!..... ۱۰

پاسخ دوم: ليله المبيت مصداق شراء نفس است، خواه با علم یا بدون علم..... ۱۳

بذل جان و کل دنیا در مقابل طلب دین..... ۱۴

امیرالمومنین علیه السلام اولین جان نثار رسول خدا صلی الله علیه وآله..... ۱۴

۱۷.....بدن متورم امیرالمومنین علیه السلام.....

۱۸.....هجوم به امیرالمومنین با سنگ و چوب.....

۲۴.....پاسخ سوم : احتمال شهادت از سوی امیرالمومنین علیه السلام.....

۲۵... قرائن مرتبط به عدم علم فعلی حضرت علی علیه السلام به زنده ماندن :

قرینه اول : آماده شدن امیر المومنین برای شهادت و ابطال نظریه علم به حفظ و مصونیت

۲۵.....

قرینه دوم: حفظ جان پیامبر صلی الله علیه وآله با استفاده از جان خود.....۲۷

قرینه سوم: مسرور شدن و رضایت حضرت علی علیه السلام از فدای رسول خدا صلی الله

۲۹.....علیه وآله شدن.....

قرینه چهارم: خوابیدن امیرالمومنین علیه السلام به جای رسول خدا صلی الله علیه وآله و

۳۱.....احتمال شهادت ایشان توسط آن حضرت.....

۳۳.....قرینه پنجم : قرارگرفتن در بستر و باور به کشته شدن.....

علم فعلی نداشتن به یک ماجرا، منافات با علم غیب ائمه علیهم السلام ندارد.۳۴

علم پیدا کردن امام به وقایع در صورت اراده ی دانستن.....۳۴

روایاتی که علم حضرت علی علیه السلام به مصونیت را ثابت می کند و نقد آنها ۳۶

ثعلبی و روایت علم داشتن امیرالمومنین علیه السلام به عدم شهادت.....۳۶

پاسخ : کلام متناقض ثعلبی در مورد علم امیرالمومنین به مصونیت:.....۳۷

اثبات فضیلت در صورت پذیرش روایت ثعلبی.....۳۹

مقایسه خوابیدن امیر المومنین در بستر پیامبر با همراهی ابابکر در غار با پیامبر ۴۰

علم به عدم شهادت بزرگ ترین فضیلت.....۴۰

سؤال:

حضرت علی(ع) وقتی بجای پیامبر(ص) در بستر خوابیدند، آیا ایشان می دانست که شهید میشود یا

خیر؟ اگر می دانستند، دیگر چه فضیلتی برای حضرت داشت؟ یا ایشان نمی دانستند که شهید می شوند؟

لطفاً با اسنادی از کتب اهل تسنن پاسخ دهید.

با تشکر

پاسخ اجمالی:

پاسخ های متقن و مستدلی برای اثبات فضیلت ليله المبيت اميرالمومنين وجود دارد که در زیر به آن

اشاره می شود:

۱. طبق روایت های شیعه و سنی این عمل اميرالمومنين عليه السلام، اطاعت محض از خدا و رسول

صلی الله علیه و آله بوده است، این در حالی است که در موارد متعدد از صحابه، عدم اطاعت از رسول خدا

ثبت شده است.

۲. اميرمومنان با عمق وجود و نیت خالص، جان خود را برای پیامبر صلی الله علیه و آله تقدیم کرد و

ملقب به اولین کسی شد در راه خدا جان خود را فدا کرده است و مفتخر به ذکر آیه ای در قرآن شد که

شان نزولش ایشان بود؛ صد البته این تاج افتخار چیزی نیست که تابع شهادت یا عدم شهادت یا علم و

عدم علم باشد؛ اضافه بر اینکه دردناک ترین جراحات و شکنجه ها نیز به ایشان در این ماجرا وارد شد.

۳. به فرض هم که اثبات این فضیلت وابسته به عدم علم به شهادت باشد، قرائن متعدد نظیر آماده

شدن برای شهادت در منابع متعدد و کلام ایشان مبنی بر سرور از شهادت به جای رسول خدا و...به

روشنی ثابت می کند که تنها منبع ذکر علم به مصونیت که روایت ثعلبی است، اشتباه بوده است و البته

در منابع متعدد نیز به ضعف سند و محتوی این روایت اشاره شده است و طبق این مبنا نیز این فضیلت بزرگ برای علی علیه السلام ثابت است.

پاسخ تفصیلی

مقدمه : خوابیدن حضرت علی علیه السلام در جای پیامبر اجماعی است

ابن ابی الحدید در این زمینه می نویسد:

قد ثبت بالتواتر حدیث الفراش ، فلا فرق بینه وبين ما ذکر فی نص الكتاب ، ولا یجحدہ الا مجنون أو غیر

مخالط لأهل الملة

ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغة، ج ۱۳، ص ۲۶۱ بتحقیق، محمد أبو الفضل إبراهيم دار احیاء الکتب العربیة، عیسی البابی الحلبي وشركاه، الطبعة الثانية (۱۹۶۷ م - ۱۳۸۷ هـ) (جميع الحقوق محفوظة منشورات مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي قم - إيران ۱۴۰۴ هـ ق

ابن ابی الحدید از ابو جعفر اسکافی نقل می کند که خوابیدن امیرالمومنین علیه السلام در جای پیامبر صلی الله علیه وآله به صورت متواتر ثابت شده است، فرقی بین این واقعه و بین وقائعی که در قرآن ذکر

شده است وجود ندارد، این واقعه (قرار گرفتن علی علیه السلام در بستر) را در میان مردم فقط دیوانه و بی عقل انکار می کند.

اما در پاسخ به اینکه آیا خوابیدن حضرت علی در جای پیامبر (صلی الله علیه وآله) فضیلت است یا خیر به پاسخ‌های ذیل می‌پردازیم:

پاسخ اول: اصل خوابیدن حضرت علی علیه السلام، اطاعت از خدای متعال بود

روایات شیعه: حضرت علی علیه السلام از دستور خدا اطاعت کرد

مرحوم شیخ طوسی رضوان الله علیه، در کتاب شریف امالی، از ابن عباس روایت نقل می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، به فرمان الهی در بستر نخوایدند و به امر الهی، امیرالمؤمنین علیه السلام را مامور کردند در بستر ایشان بخوابد.

أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ مِنْهُمْ الْحُسَيْنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، وَ أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِوْنٍ، وَ أَبُو طَالِبِ بْنِ غُرُورٍ [عَزُورٍ]، وَ أَبُو الْحَسَنِ الصَّقَّالُ، وَ أَبُو عَلِيٍّ الْحَسَنُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَشْنَسٍ، قَالُوا: حَدَّثَنَا أَبُو الْمُفَضَّلِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُطَّلِبِ الشَّيْبَانِي، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ سُفْيَانَ بْنِ الْعَبَّاسِ النَّحْوِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ بْنِ نَاصِحٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا

مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ بْنِ وَقْدِ الْأَسْلَمِيِّ قَاضِي الشَّرْقِيَّةِ، قَالَ: حَدَّثَنِي إِبْرَاهِيمُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي حَبِيبَةَ، يَعْنِي

الْأَشْهَلِيَّ، عَنْ دَاوُدَ بْنِ الْحُصَيْنِ، عَنْ أَبِي غَطَفَانَ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ:

اجْتَمَعَ الْمُشْرِكُونَ فِي دَارِ النَّدْوَةِ لِيَتَشَاوَرُوا فِي أَمْرِ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، فَاتَى جَبْرِئِيلُ (عَلَيْهِ

السَّلَامُ) رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَ أَخْبَرَهُ الْخَبَرَ، وَ أَمَرَهُ أَنْ لَا يَنَامَ فِي مَضْجَعِهِ تِلْكَ اللَّيْلَةَ، فَلَمَّا أَرَادَ

رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) الْمَبِيتَ أَمَرَ عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) أَنْ يَبِيتَ فِي مَضْجَعِهِ تِلْكَ اللَّيْلَةَ، فَبَاتَ عَلِيٌّ

(عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَ تَعَشَّى بِبُرْدٍ أَخْضَرَ حَضَرَمِي كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَنَامُ فِيهِ، وَ جَعَلَ السَّيْفَ

إِلَى جَنْبِهِ، فَلَمَّا اجْتَمَعَ أَوْلِيَاكَ النَّفْرُ مِنْ قُرَيْشٍ يَطُوفُونَ وَ يَرُصِدُونَهُ وَ يَرِيدُونَ قَتْلَهُ، فَخَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى

اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَ هُمْ جُلُوسٌ عَلَى الْبَابِ، عَدَدَهُمْ خَمْسَةٌ وَ عِشْرُونَ رَجُلًا، فَأَخَذَ حَفَنَةً مِنَ الْبَطْحَاءِ ثُمَّ جَعَلَ

يَذُرُّهَا عَلَى رُءُوسِهِمْ هُوَ يَقْرَأُ «يَسَ وَ الْقُرْآنَ الْحَكِيمِ» حَتَّى بَلَغَ «فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهْمٌ لَا يَبْصُرُونَ» فَقَالَ لَهُمْ

قَائِلٌ: مَا تَنْظُرُونَ قَدْ وَ اللَّهُ خِبْتُمْ وَ خَسِرْتُمْ، وَ اللَّهُ لَقَدْ مَرَّ بِكُمْ وَ مَا مِنْكُمْ رَجُلٌ إِلَّا وَ قَدْ جَعَلَ عَلَى رَأْسِهِ تُرَابًا.

فَقَالُوا: وَ اللَّهُ مَا أَبْصَرْنَا. قَالَ: فَانزَلَ اللَّهُ (عَزَّ وَ جَلَّ) «وَ إِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ

يُخْرِجُوكَ وَ يَمْكُرُونَ وَ يَمْكُرُ اللَّهُ وَ اللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ».

طوسي، محمد بن الحسن، الأملی (للطوسی)، ص ٤٤٥، قم، چاپ: اول، ١٤١٤ق.

مشرکین در دارالندوه اجتماع کردند تا در مورد سرنوشت و وضعیت پیامبر صلی الله علیه و آله با هم

رایزنی کنند؛ جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد و خبر را به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

رساند و ایشان را امر کرد که در آن شب در بسترش بخوابد؛ وقتی رسول اکرم صلی الله علیه و آله

تصمیم گرفت برای استراحت به بستر خود رود، به امیرالمومنین (علیه السلام) امر کردند که در آن شب

در بسترش بخوابد؛ امیرالمومنین (علیه السلام) در بستر پیامبر صلی الله علیه و آله خوابید و لحاف سبزی

که پیامبر (صلی الله علیه و آله) وقت خواب بر خود می انداختند را بر خود انداخت و شمشیرش را در کنار

خود قرار داد؛ در شرائطی که افراد جمع شده قریش در اطراف خانه رفت و آمد می کردند و امور را رصد

می کردند و قصد کشتن پیامبر صلی الله علیه و آله را داشتند، پیامبر از منزل خارج شدند، در حالیکه آنها

در کنار در منتظر بودند و نشسته بودند و تعداد آنها حدود ۲۵ نفر بود، سپس پیامبر دو مشت از خاک

پرکرد و بر سر آنها ریخت در حالی که می فرمود: «یس وَ الْقُرْآنِ الْحَکِیمِ» تا اینکه به این آیه رسید

«فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ» و سپس خطاب به آنها فرمود: چیزی نمی بینید، حقیقتا خدا شما را

خسارت دیده و زیانکار قرار داد، قسم به خدا، بر شما مردی گذر کرد و هیچ کسی از شما نبود، مگر اینکه

بر سرش خاک نشست؛ سپس گفتند: به خدا قسم ما او را ندیدیم و خدا این آیه را نازل کرد: «وَإِذْ يَمْكُرُ

بِكِ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يَخْرِجُوكَ وَ يُمَكِّرُونَ وَ يَمْكُرُ اللَّهُ وَ اللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ».

طحاوی : حضرت علی علیه السلام از دستور پیامبر (ص) اطاعت کرد!

طحاوی عالم مشهور اهل سنت، خوابیدن امیرالمومنین علیه السلام در بستر رسول خدا صلی الله علیه

وآله را به عنوان عمل مورد پسند و رضایت رسول خدا صلی الله علیه و آله معرفی می کند.

فعلنا لما فی هذا الحدیث أن لبوس علی رضی الله عنه قمیص النبی صلی الله علیه وسلم ونومه فی

مکانه كانا بفعل رسول الله صلی الله علیه وسلم ذلك به

أبو جعفر أحمد بن محمد بن سلامة الطحاوی الوفاء: ۳۲۱هـ، شرح مشکل الآثار، ج ۱۰، ص ۲۷۳ دار

النشر: مؤسسه الرسالة - لبنان / بيروت - ۱۴۰۸هـ - ۱۹۸۷م، الطبعة: الأولى، تحقیق: شعيب الأرنؤوط.

وقتی که در این احادیث نظر کردیم، پوشیدن لباس پیامبر (صلی الله علیه و آله) توسط علی(امیر

المومنین علیه السلام) و خوابیدن در جای آن حضرت، به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است.

در این روایت ها به صراحت به مواردی مانند، فرمان الهی به پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد

نخوابیدن در بستر و دستور به امیر المومنین علیه السلام به قرار گرفتن در بستر پیامبر صلی الله علیه و

آله و خطر بزرگی که امیرالمومنین علیه السلام را تهدید می کرده و اطاعت امیرالمؤمنین علیه السلام از فرمان الهی تصریح شده است و صرف نظر از علم داشتن و نداشتن ایشان، این کار اطاعت محض از فرمان الهی بوده است که خود از بزرگ ترین فضائل می باشد.

و خداوند در قرآن می فرماید:

ومن یطع الله ورسوله فقد فاز فوزا عظیما.

احزاب، آیه (۷۱)

و هر کس که خدا و رسولش را اطاعت کند، حقیقتا رستگار شده است.

صحابه و امتناع از دستور رسول خدا (ص) با وجود علم به عدم خطر!

در مواردی مشابه رسول اکرم صلی الله علیه و آله از صحابه درخواست انجام عملی را کرده اند که در ظاهر عمل خطرناکی بوده است و از طرفی رسول اکرم صلی الله علیه و آله وعده حفظ و مصونیت داده اند ولی صحابه به وعده رسول اکرم صلی الله علیه و آله اعتماد نکرده اند و از فرمان ایشان اطاعت نکرده اند.

[در روایت صحیحی] حذیفه نقل می کند در جریان جنگ خندق، رسول خدا صلی الله علیه و آله دو

مرتبه از صحابه تقاضا فرمودند که شخصی به میان دشمن برود و از آنها اطلاعاتی بیاورد ولی کسی

قبول نکرد.

فَقَالَ حُذَيْفَةُ يَا بَنَ أَخِي وَاللَّهِ لَقَدْ رَأَيْتُنَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالْخَنْدَقِ وَصَلَّى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ اللَّيْلِ هَوِيًّا ثُمَّ التَفَتَ إِلَيْنَا فَقَالَ مِنْ رَجُلٍ يُقِيمُ فَيَنْظُرُ لَنَا مَا فَعَلَ الْقَوْمُ يَشْتَرِطُ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّهُ يَرْجِعُ أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ فَمَا قَامَ رَجُلٌ ثُمَّ صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هَوِيًّا مِنْ اللَّيْلِ ثُمَّ التَفَتَ إِلَيْنَا فَقَالَ مِنْ رَجُلٍ يُقِيمُ فَيَنْظُرُ لَنَا مَا فَعَلَ الْقَوْمُ ثُمَّ يَرْجِعُ يَشْرِطُ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الرَّجْعَةَ أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يَكُونَ رَفِيقِي فِي الْجَنَّةِ فَمَا قَامَ رَجُلٌ مِنَ الْقَوْمِ مَعَ شِدَّةِ الْخَوْفِ وَشِدَّةِ الْجُوعِ وَشِدَّةِ الْبَرْدِ فَلَمَّا لَمْ يَقُمْ أَحَدٌ دَعَانِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَلَمْ يَكُنْ لِي بُدٌّ مِنَ الْقِيَامِ حِينَ دَعَانِي فَقَالَ يَا حُذَيْفَةُ فَادْهَبْ فَادْخُلْ فِي الْقَوْمِ فَانظُرْ مَا يَفْعَلُونَ

مسند أحمد بن حنبل ج ۵ ص ۳۹۲ مسند الإمام أحمد بن حنبل ، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو

عبدالله الشيباني الوفاء: ۲۴۱ ، دار النشر : مؤسسه قرطبه - مصر

حذیفه گفت ای پسر برادر، در جنگ خندق با رسول خدا صلی الله علیه و آله بودیم، رسول خدا نماز خواندند در حالیکه پاسی از شب گذشته بود، ایشان رو به ما فرمود و گفت کدام از شما حاضر است برای ما نگاه کند(یعنی به میان دشمن رفتن و خبر آوردن) که دشمن چه می کند؟ هیچ کس حاضر نشد، پیامبر صلی الله علیه و آله برای او تضمین کرد که سالم برگردد و خدا او را وارد بهشت کند ولی هیچ کس بلند نشد؛ سپس رسول خدا به نماز ایستاد در حالیکه مقداری از شب گذشته بود سپس رو به ما فرمود آیا کسی هست که برای ما خبری بیاورد و من تضمین می کنم که برگردد و در بهشت همنشین من باشد، باز هم از شدت سردی و گرسنگی و ترس کسی حاضر نشد، در این هنگام، رسول خدا صلی الله علیه و (آله) من را فرا خواند، دیگر چاره ای نبود جز اینکه بلند شوم، پیامبر به من فرمود برو و در بین آنها برو و ببین چه می کنند؟

این روایت معتبر به صراحت بیان می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله چند بار از صحابه در خواست انجام عملی را کردند و علی رغم تضمین از سوی ایشان، کسی راضی نشد این کار را انجام دهد و از دستور ایشان اطاعت کند.

روایت فوق به خوبی بازگو می کند صرف تضمین و اطمینان به عدم ضرر، سبب نمی شود کسی کاری را انجام دهد و از دستور اطاعت کند بلکه فرمانبرداری، ایمان و اعتقادی ویژه می طلبد، نظیر آنچه امیرالمومنین در لیلۃ المبیّت از خود نشان دادند.

پاسخ دوم: لیلۃ المبیّت مصداق شراء نفس است، خواه با علم یا بدون علم

یکی از آیاتی که به گفته علمای شیعه و سنی در مورد حضرت علی علیه السلام و در خصوص ماجرای لیلۃ المبیّت نازل شده است ، آیه «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ» است. این آیه ثابت می کند مصداق این آیه ، کسی است که جان خود را در معرض فروش قرار داده است (چه به شهادت برسد چه نرسد ، چه علم به شهادت داشته باشد چه نداشته باشد) ؛ وقتی در ماجرای فروش حضرت یوسف علیه السلام ، پیرزن مصری، کلاف به دست به بازار آمد، می دانست که نمی تواند یوسف را بخرد ، ولی با این حال، خود را به عنوان خریدار معرفی کرد! حال چه مانعی دارد که شخصی بداند در مساله ای یا ماجرای ، کالای جان او به فروش نخواهد رفت، ولی با نیتی صادق جان خود را در معرض فروش بگذارد؟!

بذل جان و کل دنیا در مقابل طلب دین

فخر رازی از علمای بزرگ اهل تسنن این آیه مصداق بذل تمامی دنیا و جان در مقابل طلب دین، می

داند:

اعلم أنه تعالى لما وصف في الآية المتقدمة حال من يبذل دينه لطلب الدنيا ذكر في هذه الآية حال من

يبذل دنياه ونفسه وماله لطلب الدين فقال: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ»

فخر الدین محمد بن عمر التمیمی الرازی الشافعی الوفاء: ۶۰۴، التفسیر الکبیر أو مفاتیح الغیب، ج ۵ ص

۰۱۷۳ دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - ۱۴۲۱هـ - ۲۰۰۰م، الطبعة: الأولى

بدان که در آیه قبل درباره افرادی که دین خود را می دهند تا دنیا را بدست آورند، صحبت شد و این

آیه در مورد کسانی است که دنیای خود را فدا می کنند تا دین را طلب کنند و به دست آورند.

امیرالمومنین علیه السلام اولین جان نثار رسول خدا صلی الله علیه وآله

حاکم نیشابوری از دیگر علمای اهل سنت، در روایتی به نقل از امام سجاد علیه السلام، امیرالمومنین

علیه السلام را اولین جان نثار برای رسول خدا صلی الله علیه وآله معرفی می کند:

وقد حدثنا بكر بن محمد الصيرفي بمرو ثنا عبید بن قنفذ البزار ثنا يحيى بن عبد الحميد الحماني ثنا قيس

بن الربيع ثنا حكيم بن جبیر عن علي بن الحسين قال إن أول من شرى نفسه ابتغاء رضوان الله علي بن

أبي طالب

، محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري الوفاء: ٤٠٥ هـ ، المستدرک علی الصحيحين ج ٣ ، ص ٥ ، دار النشر : دار الكتب العلمية - بيروت - ١٤١١ هـ - ١٩٩٠ م ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : مصطفى

عبد القادر عطا

حكيم بن جبیر از امام سجاد عليه السلام روايت کرده است که اولین کسی که جان خود را در راه خدا برای تحصيل رضایت الهی فدا کرد، علي بن ابی طالب(عليه السلام) بود.

ذهبی نیز این روايت در تلخیص خود بر کتاب حاکم آورده است، که مطلبی نیز بیان نکرده است که نشان از تایید روايت صحيح حاکم است.

این روايت را علاوه بر حاکم نیشابوری، حاکم حسکانی با دو طریق و سیوطی با یک طریق و صالحی شامی نیز ذکر کرده اند.

حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۱ ص ۱۳۰ شواهد التنزیل تحقیق و تعلیق، الشیخ
محمد باقر المحمودی، مؤسسۃ الطبع والنشر، التابعۃ لوزارة الثقافة والارشاد الاسلامی مجمع أحياء الثقافة
الاسلامیۃ حقوق الطبع محفوظة للناسر الطبعة الأولى ۱۴۱۱ هـ - ۱۹۹۰ مطهران - ایران.

السیوطی، جلال الدین عبد الرحمن ابی بکر، الدر المثنور ج ۷ ص ۱۰۲، ذیل آیه ۳۰ سوره انفال، محقق:
عبد الله بن عبد المحسن التركي، چاپ اول، ناشر: مرکز هجر، قاهره، ۱۴۲۴ هـ.ق.

محمد بن یوسف الصالحی الشامی الوفاة: ۹۴۲هـ، سبل الهدی والرشاد فی سیره خیر العباد، ج ۳، ص
۲۳۳، تحقیق: عادل أحمد عبد الموجود وعلى محمد معوض، چاپ اول، ناشر: دار الکتب العلمیۃ - بیروت -
۱۴۱۴هـ.ق.

در روایات مختلف از شیعه و سنی بیان شده است که امیرالمومنین علیه السلام، در جریان لیلہ المبیت
متحمل شدیدترین زخم ها و شکنجه ها شده اند و شدیدترین آلام و سختی ها را در آن شب به جان
خریده اند.

بدن متورم امیرالمومنین علیه السلام

در کتب مختلف، از جمله کتاب شریف «خصائص» سید رضی، ماجرای هجوم به امیرالمومنین علیه السلام و مجروح شدن شدید ایشان را بیان کرده است که می تواند به عنوان مؤید روایات دیگر به شمار آید.

... قَالَ ابْنُ الْكَوَّاءِ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ أَيْنَ كُنْتَ حَيْثُ ذَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى نَبِيَّهُ وَ أَبَا بَكْرٍ فَقَالَ ثَانِي أَثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع وَيَلْكَ يَا ابْنَ الْكَوَّاءِ كُنْتُ عَلَى فِرَاشِ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ قَدْ طَرَحَ عَلَى رِيبَتِهِ فَأَقْبَلْتُ قَرِيشٌ مَعَ كُلِّ رَجُلٍ مِنْهُمْ هِرَاوَةٌ فِيهَا شَوْكُهَا فَلَمْ يَبْصُرُوا رَسُولَ اللَّهِ حَيْثُ خَرَجَ فَأَقْبَلُوا عَلَى يَضْرِبُونَنِي بِمَا فِي أَيْدِيهِمْ حَتَّى تَنْفَطَ جَسَدِي وَ صَارَ مِثْلَ الْبَيْضِ ثُمَّ انْطَلَقُوا بِي يَرِيدُونَ قَتْلِي فَقَالَ بَعْضُهُمْ لَا تَقْتُلُوهُ اللَّيْلَةَ وَ لَكِنْ أَخْرُوهُ وَ اظْلُبُوا

شريف الرضى، محمد بن حسين: ٤٠٦ ق، خصائص الأئمة عليهم السلام (خصائص أمير المؤمنين عليه

السلام) ص ٥٨، محقق: اميني، محمد هادي، ناشر: آستان قدس رضوي، مكان چاپ: مشهد، سال چاپ: ١٤٠٦ ق

ابن الكواء به امير المومنان (عليه السلام) گفت: شما كجا بوديد وقتي اين آيه، «ثاني اثنتين إذ هما في

الغار إذ يقول لصاحبه لا تحزن إن الله معنا» درحق پیامبر (صلى الله عليه و آله) و ابابكر نازل شد؟

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: وای بر تو ای ابن الکواء، من در بستر رسول الله (صلی الله علیه و آله) بودم و ملحفه پیامبر (صلی الله علیه و آله) را بر روی خود انداختم؛ افراد قریش به من هجوم آوردند و با هر کدام، عصا و چماق خاردار و تیغ دار بود؛ آنها وقتی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از منزل خارج شد، ایشان را ندیدند؛ بنابراین به من روی کردند و با آنچه در دست داشتند من را زدند تا اینکه بدنم تاول زد و ورم کرد و بدن مانند تخم مرغ شد [کنایه از متورم شدن]؛ سپس خواستند که من را بکشند، بعضی از آنها گفتند امشب او را نکشید و به دنبال او [پیامبر صلی الله علیه و آله] بگردید.

هجوم به امیرالمؤمنین با سنگ و چوب

مرحوم شیخ طوسی اعلی الله مقامه در کتاب شریف امالی بیان می کند که وقتی شب هنگام شد، همه متوجه امیرالمؤمنین (علیه السلام) شدند و با سنگ و چوب به ایشان هجوم بردند و مطمئن بودند فرد مضروب، رسول خدا صلی الله علیه و آله می باشد.

... دخل رسول الله صلی الله علیه و آله ، وأبو بكر إلى الغار ، فلما خلق الليل وانقطع الأثر ، اقبل القوم على صلی الله علیه و آله ، قذفا بالحجارة والحلم ، فلا يشكون انه رسول الله صلی الله علیه و آله ، حتى إذا برق الفجر ، وأشفقوا ان يفضحهم الصبح ، هجموا على صلی الله علیه و آله ، وكانت دور مكة يومئذ

سوائب ، لا أبواب لها ، فلما بصر بهم على عليه السلام قد انتضوا السيوف ، واقبلوا عليه بها ، يقدمهم خالد بن الوليد بن المغيرة.

طوسی، محمد بن الحسن، الأمالی (للطوسی)، ص ۴۶۷، ناشر: دار الثقافة، قم، ۱۴۱۴ ق

پیامبر صلی الله علیه و آله و ابابکر وارد غار شدند؛ وقتی شب شد و دیگر چیزی مشخص نبود،

مشرکین رو به سوی امیرالمومنین علیه السلام کردند و با سنگ و چوب او را مورد هجوم قرار دادند و

شک نداشتند او پیامبر(صلی الله علیه و آله) است، تا اینکه آثار طلوع خورشید آشکار شد و ترسیدند

فرارسیدن صبح، آنها را رسوا کند؛ بر علی علیه السلام هجوم بردند، خانه های مکه در آن زمان، در

نداشتند و محافظ و مانع نداشت؛ وقتی نگاه آنها به امیرالمومنین افتاد، شمشیرها را بر کشیدند و به سوی

ایشان هجوم بردند و پیشاپیش آنها خالد بن ولید بود .

همانطور که مشاهده می شود در تمام این روایات ذکر شده، وجود امر الهی از ناحیه خداوند به

امیرالمؤمنین علیه السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله و فرمان پذیری علی علیه السلام و رشادت و

شجاعت زاید الوصف ایشان مشخص است که با عمل هیچ کدام از صحابه و یاران رسول الله صلی الله

علیه و آله، قابل مقایسه نمی باشد.

در روایات عامه نیز به سنگباران کردن، مجروح شدن و شکنجه شدن امیرالمومنین توسط مشرکین اشاره شده است. در این مجال به عنوان نمونه به برخی از روایت های صحیحی که توسط حاکم نیشابوری و احمد بن حنبل نقل شده، می پردازیم:

احمد بن حنبل چنین نقل می کند:

قال فَأَنْطَلَقَ أَبُو بَكْرٍ فَدَخَلَ مَعَهُ الْغَارَ قَالَ وَجَعَلَ عَلِيٌّ يَرْمِي بِالْحِجَارَةِ كَمَا كَانَ يَرْمِي نَبِيَّ اللَّهِ وَهُوَ يَتَصَوَّرُ
قَدْ لَفَّ رَأْسَهُ فِي الثَّوْبِ لَا يَخْرِجُهُ حَتَّى أَصْبَحَ

احمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني الوفاء: ٢٤١، مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ١ ص ٣٣٠ دار النشر

: مؤسسه قرطبه - مصر

گفت(ابن عباس): ابوبکر به سوی غار حرکت کرد و به همراه پیامبر(صلی الله علیه و آله) وارد غار شد

وگفت: علی (علیه السلام)سنگباران شد، همان طور که نبی خدا(صلی الله علیه و آله) سنگباران شد و از

شدت درد به خود می پیچید و سرش را در پارچه ای پیچیده بود و تاصبح آن را خارج نکرد

حال بر فرض که روایت هایی نظیر آنچه ثعلبی بیان کرده است را بپذیریم و قبول کنیم که

امیرالمومنین علیه السلام به عدم شهادت خودشان اطمینان داشتند، ولی این بدین معنا نمی باشد که

خداوند به ایشان نسبت به حفظ از خطرات دیگر تضمین داده باشد و به تبع آن امیرالمومنین نیز به عدم تهدید خطرات دیگر غیر از شهادت اطمینان داشته باشند و همان طور که بیان شد هدف شدیدترین آزار، آلام و شکنجه ها واقع شده اند بنابراین ظاهر این اتفاق همان طوری که نقل شده است به صورتی است که احتمال شدید ترین خطرات برای امیرالمومنین علیه السلام وجود داشته است و با وجود چنین خطرات عظیمی، شخصی چون امیرالمومنین علیه السلام حاضر شود وجود خود را در طبق اخلاص قرار دهد و برای حفظ جان رسول خدا صلی الله علیه و آله بدن خود را در مقابل سنگ و شمشیر و... سپر کند، خود به عنوان بزرگ ترین فضیلت و بارزترین مصداق جانفشانی و شراء نفس می باشد و عیار و اهمیت این جان نثاری وقتی که با حالات و سابقه بعضی از صحابه که عادت به فرار از جنگ (مثل جنگ احد و ...) داشتند، مقایسه می شود، بهتر مشخص می شود.

حاکم نیشابوری نیز در کتاب المستدرک علی الصحیحین ، ماجرای ليله المبيت و سنگباران شدن علی علیه السلام را در آن شب، بیان می کند.

حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ، ثنا زِيَادُ بْنُ الْخَلِيلِ التُّسْتَرِيُّ، ثنا كَثِيرُ بْنُ يَحْيَى، ثنا أَبُو عَوَانَةَ، عَنْ أَبِي بَلْجٍ، عَنْ عَمْرِو بْنِ مَيْمُونٍ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، قَالَ: " شَرَى عَلِي نَفْسَهُ، وَلَبِسَ ثَوْبَ النَّبِيِّ صَلَّى

اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، ثُمَّ نَامَ مَكَانَهُ، وَكَانَ الْمُشْرِكُونَ يَرْمُونَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، وَقَدْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ الْبَسَهُ بُرْدَةً، وَكَانَتْ قُرَيْشٌ تُرِيدُ أَنْ تَقْتُلَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، فَجَعَلُوا يَرْمُونَ عَلِيًّا، وَيَرَوْنَهُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، وَقَدْ لَيْسَ بُرْدَةً، وَجَعَلَ عَلِيٌّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يَتَضَوَّرُ، فَإِذَا هُوَ عَلِيٌّ، فَقَالُوا: إِنَّكَ لِلنَّبِيِّ إِنَّكَ لَتَتَضَوَّرُ، وَكَانَ صَاحِبُكَ لَا يَتَضَوَّرُ، وَلَقَدْ اسْتَنْكَرْنَا مِنْكَ ". هَذَا

حَدِيثٌ صَحِيحٌ الْإِسْنَادِ وَلَمْ يَخْرُجَاهُ. وَقَدْ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ الطَّيَالِسِيُّ، وَغَيْرُهُ، عَنْ أَبِي عَوَانَةَ بِزِيَادَةِ الْفَاطِمَةِ.

[قال الذهبي في التلخيص] صحيح.

محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري الوفاء: ٤٠٥ هـ ، المستدرک علی الصحیحین ، ج ٣ ، ص

٥ دار النشر : دار الكتب العلمية - بيروت - ١٤١١ هـ - ١٩٩٠ م ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : مصطفى عبد

القادر عطا

حاكم در کتاب مستدرک، روایتی را از ابن عباس نقل می کند: علی (علیه السلام)، نفسش را فروخت (جانش را در طبق اخلاص گذاشت و در راه خدا فدا کرد) و لباس پیامبر صلی الله علیه و آله را پوشید (ملحفه ای که رسول اکرم صلی الله علیه و آله به هنگام خواب بر خود می انداخت)، سپس در بستر پیامبر صلی الله علیه و آله خوابید؛ مشرکان رسول خدا سنگباران کردند، (مشرکان تصور می کردند)،

رسول خدا صلی الله علیه و آله ملحفه را بر خود انداخت و قریش که تصمیم بر قتل رسول الله صلی الله علیه و آله گرفتند، علی(علیه السلام) را سنگباران کردند و تصور می کردند ایشان، رسول خدا صلی الله علیه و آله است، در حالیکه علی(علیه السلام) ملحفه رسول خدا صلی الله علیه و آله را بر خود انداخته بود و از شدت درد فریاد می زد، در این هنگام متوجه شدند که او علی(علیه السلام) است، مشرکان گفتند: تو انسان پستی هستی؛ تو بودی که از شدت درد فریاد می زدی و صاحب و همراه تو(رسول الله صلی الله علیه و آله) نبود و ما از قرار گرفتن تو به جای رسول خدا بی اطلاع بودیم؛ حاکم در ادامه می گوید سند این حدیث صحیح است و آن دو(بخاری و مسلم) آن را نقل نکرده اند و این روایت را ابی داوود طیالسی و غیره نیز نقل کرده اند و ابو عوانه، آن را با تفصیل بیشتری روایت کرده است.

شمس الدین ذهبی نیز در تلخیص کتاب مستدرک، این روایت را صحیح می داند.

هیثمی، روایت احمد را صحیح می داند:

رواه أحمد والطبرانی فی الكبير والأوسط باختصار ورجال أحمد رجال الصحیح غیر أبی بلج الفزاری وهو ثقة

وفیه لین

، علی بن ابی بکر الهیثمی الوفاء: ۸۰۷ ، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد ج ۹ ، ص ۱۲۰ ، دار النشر : دار الریان

للتراث/دار الكتاب العربی - القاهرة ، بیروت - ۱۴۰۷

این روایت را احمد [در کتاب مسند] و طبرانی در کتاب معجم الکبیر و معجم اوسط نقل کرده اند و راویان این حدیث در نقل احمد بن حنبل، همگی راویان صحیح بخاری هستند به غیر از ابی بلج، که او نیز فردی مورد وثوق و اطمینان است و تنها دارای لین(مقداری تسامح) است.

این عمل امیرالمومنین علیه السلام آن قدر بزرگ و ارزشمند بود که شان نزول آیه ای از قرآن به این عمل گران بها از امیرالمومنین علیه السلام اختصاص داده شده است و به ایشان مدال معامله فروختن جان در راه خدا داده شده است و علم و عدم علم به شهادت هیچ منعی برای انتساب این فضیلت به امیرالمومنین علیه السلام ایجاد نکرده است.

پاسخ سوم : احتمال شهادت از سوی امیرالمومنین علیه السلام

علاوه بر دو پاسخ بالا که با فرض علم به عدم شهادت از سوی امیرالمومنین علیه السلام بود، پاسخ دیگر این است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام احتمال شهادت خود را می دادند:

قرائن مرتبط به عدم علم فعلی حضرت علی علیه السلام به زنده ماندن :

قرینه اول : آماده شدن امیر المومنین برای شهادت و ابطال نظریه علم به حفظ و مصونیت

مرحوم شیخ طوسی رحمت الله علیه در کتاب شریف امالی، روایت دیگری را از انس بن مالک با مضمون مشابه روایت قبلی، پیرامون شرح وقایع لیله المبیت و قرار گرفتن امیر المومنین علیه السلام در بستر، بیان کرده است و تصریح می کند که امیر المومنین علیه السلام خود را آماده شهادت کرده بودند.

- أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ الْبَاغَنْدِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الصَّبَّاحِ الْجَرْجَرِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ كَثِيرٍ الْمَلَائِيُّ، عَنْ عَوْفِ الْأَعْرَابِيِّ مِنْ أَهْلِ الْبَصْرَةِ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ أَبِي الْحَسَنِ، عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ، قَالَ: لَمَّا تَوَجَّهَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) إِلَى الْغَارِ وَ مَعَهُ أَبُو بَكْرٍ، أَمَرَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) أَنْ يَنَامَ عَلَيَّ فِرَاشِهِ وَ يَتَوَشَّحَ بِبُرْدَتِهِ، فَبَاتَ عَلِيٌّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) مُوْطِنًا نَفْسَهُ عَلَيَّ الْقَتْلِ، وَ جَاءَتْ رِجَالُ قُرَيْشٍ مِنْ بُطُونِهَا يَرِيدُونَ قَتْلَ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، فَلَمَّا أَرَادُوا أَنْ يَضَعُوا عَلَيَّ أَسْيَافَهُمْ لَا يَشْكُونَ أَنَّهُ مُحَمَّدٌ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، فَقَالُوا: أَيْقِظُوهُ لِيَجِدَ أَلَمَ الْقَتْلِ وَ يَرَى السُّيُوفَ تَأْخُذُهُ، فَلَمَّا أَيْقِظُوهُ وَ رَأَوْهُ عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) تَرَكَوهُ وَ تَفَرَّقُوا فِي طَلَبِ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، فَانزَلَ اللَّهُ (عَزَّ وَ جَلَّ) «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ اللَّهُ رُوْفٌ بِالْعِبَادِ».

طوسی، محمد بن الحسن، الأمالی (للطوسی)، ص: ۴۴۷، قم، چاپ: اول، ۱۴۱۴ ق.

وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله به همراه ابابکر به سمت غار حرکت کردند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به امیر المؤمنین علیه السلام امر کردند که در بستر ایشان بخوابد و لحاف پیامبر صلی الله علیه و آله را بر خودش بپيچد؛ علی علیه السلام در بستر ایشان خوابید در حالیکه خودش را آماده کشته شدن کرده بود؛ سپس مردان قریش وارد خانه شدند و قصد نمودند پیامبر صلی الله علیه و آله را به قتل برسانند؛ همین که خواستنی با شمشیر به ایشان ضرباتی وارد نمایند در حالی که شک نداشتند که ایشان همان پیامبر صلی الله علیه و آله است، برخی از آنها گفتند او را بیدار کنیم که درد را احساس کند و شمشیرهایی که او را فرا گرفته، ببیند؛ وقتی او را بیدار کردند، دیدند حضرت علی علیه السلام است؛ در آن هنگام متفرق شدند و به جستجوی پیامبر صلی الله علیه و آله پرداختند و در آن هنگام این آیه نازل شد: «بعضی از مردم جان خود را به خاطر خشنودی خدا می فروشند و خداوند نسبت به بندگان مهربان است.»

در این عبارت نیز بیان شده است که امیرالمومنین علیه السلام به امر رسول اکرم صلی الله علیه و آله در بستر خوابید و نکته بسیار مهم عبارت «موطننا نفسه علی القتل» می باشد که بیان می کند ایشان خود

را آماده کشته شدن کرده بود، و این مساله با علم نداشتن به مصونیت سازگاری دارد نه با علم به کشته نشدن.

قرینه دوم: حفظ جان پیامبر صلی الله علیه وآله با استفاده از جان خود

در کتاب متعدد شیعه و سنی بیان شده است که امیرالمومنین به توصیف حرکت بزرگ خود در آن شب اشاره می فرماید و در قطعه شعری زیبا، بیان می فرماید که با جان خود، جان رسول خدا را نجات داد؛ این ستایش از زبان امام معصوم علیه السلام و بنابر نظر عامه به عنوان صحابه، خود به عنوان یک فضیلت بزرگ تلقی می گردد.

وقیت بنفسی خیر من وطیء الحصا

ومن طاف بالبيت العتيق وبالحجر

رسول إله خاف أن يمكروا به

فنجاه ذو الطول الإله من المكر

وبات رسول الله في الغار أمنا

موقی وفي حفظ الإله وفي ستر

طوسی، محمد بن الحسن، الأمالی (للطوسی)، ص ۴۶۸، ناشر: دار الثقافة، قم، ۱۴۱۴ ق؛ محمد بن عبدالله

أبو عبدالله الحاكم النيسابوری الوفاء: ۴۰۵ هـ .

المستدرک علی الصحیحین ج ۳ ص ۵ ، دار النشر : دار الکتب العلمیة - بیروت - ۱۴۱۱ هـ - ۱۹۹۰ م

، الطبعة : الأولى ، تحقیق : مصطفی عبد القادر عطا.

این مطلب در دیگر کتب اهل سنت همچون در المنثور، سبل الهدی و الرشاد و... ذکر شده است.

من بهترین شخصی را که روی زمین قدم گذاشته، نیکوترین انسانی که خانه خدا و حجر اسماعیل را

طواف کرده است، با جانم حفظ کردم.

رسول خدایی که می ترسید اینکه مشرکین نیرنگ بزنند در این موقع خداوندِ صاحب نعمت، او را از

مکر آن ها حفظ کرد.

رسول خدا در غار با امنیت خوابید در حالی که جانش در پناه و حفاظت خداوند بود.

در این قطعه شعر که در کتابهای عامه نیز بیان شده است، امیرالمومنین علیه السلام تصریح می

فرمایند که جان خود را در این راه و برای حفظ جان رسول خدا فدا کردند؛ طبیعی است که پذیرفتنی

نباشد شخصی به حفظ جان خود یقین داشته باشد و از سویی بگوید من جان خود را برای پیامبر فدا کردم و خود را آماده مرگ کرده بودم.

قرینه سوم: مسرور شدن و رضایت حضرت علی علیه السلام از فدای رسول خدا صلی الله علیه وآله

شدن

در روایتی که در خصال مرحوم صدوق ذکر شده است، امیرالمومنین علیه السلام در پاسخ به سوال یهودی که در مورد امتحان و ابتلاء امیرالمومنین علیه السلام بود فرمودند: قرار گرفتن در بستر رسول خدا صلی الله علیه و آله به امر الهی و همچنین از بزرگ ترین امتحانات الهی بوده است.

أمره بالخروج في الوقت الذي خرج فيه إلى الغار فأخبرني رسول الله ص بالخبر و أمرني أن أضطجع في مضجعه و أقيه بنفسي فأسرعت إلى ذلك مطيعا له مسرورا لنفسي بأن أقتل دونه فمضى ع لوجهه و اضطجعت في مضجعه و أقبلت رجالات قريش موقنه في أنفسها أن تقتل النبي ص فلما استوى بي و بهم البيت الذي أنا فيه ناهضتهم بسيفي فدفعتهم عن نفسي بما قد علمه الله و الناس ثم أقبل ع على أصحابه فقال أ ليس كذلك قالوا بلى يا أمير المؤمنين.

الشيخ الصدوق، الخصال، ج ٢، ص ٣٦٧، تحقيق : تصحيح وتعليق : علي أكبر الغفاري، ناشر : مؤسسه

النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، ١٤٣٠.

خداوند زمانی که وقت هجرتش فرا رسید، خداوند به ایشان امر فرمود به سوی غار ثور برود؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله با من در میان گذاشت و فرمان داد که در بستر او بخوابم و با این فداکاری جان او را حفظ کنم، من به سرعت پذیرفتم در حالی که مطیع ایشان بودم و شاد از اینکه در راه ایشان و به خاطر آن حضرت کشته شوم، پیامبر صلی الله علیه وآله راه افتاد و من در جای ایشان خوابیدم و پهلوانان قریش با عقیده به اینکه پیغمبر را خواهند کشت، رسیدند و چون در خانه ای که بودم با آنها روبرو شدم شمشیر بر آنها کشیدم و از خود به گونه ای که خدا و مردم می دانند دفاع کردم، سپس رو به یارانش کرد و فرمود چنین نیست؟ همه یک زبان گفتند: آری ای امیر مؤمنان.

در این روایت نیز چند نکته مشهود است که از جمله آنها این بوده است که این مأموریت را به دستور الهی و با ابلاغ رسول اکرم صلی الله علیه و آله بوده است و ثانیاً این عمل را با سرعت و با اعتقاد کامل انجام داده است و براین باور بوده اند که حفظ جان رسول خدا صلی الله علیه و آله در گروی شهادت

ایشان است و با سرعت و سرور و طیب نفس به این ماموریت پاسخ مثبت داده اند که هرکدام از این موارد، به تنهایی اثبات می کند که ایثار و از خود گذشتگی ایشان بی نظیر و بی سابقه بوده است.

قرینه چهارم: خوابیدن امیرالمومنین علیه السلام به جای رسول خدا صلی الله علیه وآله و احتمال

شهادت ایشان توسط آن حضرت

شیخ طوسی رضوان الله علیه، در کتاب شریف امالی از ام هانی روایتی نقل کرده است و در آن، ضمن اشاره به وقایع ليله المبيت، به شادی پیامبر صلی الله علیه و آله از خبر جبرئیل در مورد سلامت امیر المؤمنین علیه السلام بعد از ليله المبيت اشاره میکند.

... عَنْ أُمِّ هَانِيٍّ بِنْتِ أَبِي طَالِبٍ، قَالَتْ: لَمَّا أَمَرَ اللَّهُ (تَعَالَى) نَبِيَّهُ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بِالْهَجْرَةِ وَآنَامَ عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فِي فِرَاشِهِ وَوَشَّحَهُ بِبُرْدٍ لَهُ حَضَرَمِيٍّ، ثُمَّ خَرَجَ، فَإِذَا وُجُوهُ قُرَيْشٍ عَلَى بَابِهِ، فَأَخَذَ حَفَنَةً مِنْ تُرَابٍ فَذَرَّهَا عَلَى رُءُوسِهِمْ، فَلَمْ يَشْعُرْ بِهِ أَحَدٌ مِنْهُمْ، وَدَخَلَ عَلَى بَيْتِي، فَلَمَّا أَصْبَحَ أَقْبَلَ عَلِيًّا وَ قَالَ: أَبْشِرِي يَا أُمَّ هَانِيٍّ، فَهَذَا جِبْرَائِيلُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يَخْبِرُنِي أَنَّ اللَّهَ (عَزَّ وَجَلَّ) قَدْ أَنْجَى عَلِيًّا مِنْ عَدُوِّهِ.

طوسی، محمد بن الحسن، الأمالی (للطوسی) ص ۴۴۷، قم، چاپ: اول، ۱۴۱۴ق.

ام هانی دختر حضرت ابو طالب علیه السلام می گوید: وقتی خدا، رسول اکرم صلی الله علیه و آله را امر به رفتن به غار کرد، علی علیه السلام را در جایگاه خود خواباند و با بُرد حضرمی [ملحفه اختصاصی رسول خدا صلی الله علیه و آله] او را پوشاند، خارج شد، درحالیکه چهره های سرشناس قریش کنار در منزل پیامبر صلی الله علیه و آله حضور داشتند، مقداری (مشتی) خاک از زمین برداشت و بر آنها ریخت و هیچکدام متوجه ایشان نشدند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله وارد خانه من شدند، صبح هنگام به من رو کردند و فرمودند بشارت بر تو باد ای ام هانی، این جبرئیل است که بر من نازل شد و به من می گوید

خداوند علی (علیه السلام) را از شر دشمنان حفظ کرد.

از مواردی که به خوبی احتمال شهادت امیر المومنین در واقعه ليله المبيت را مطرح می کند، بخش آخر روایت فوق می باشد؛ طبیعی است اگر رسول خدا صلی الله علیه و آله به این واقعه (عدم شهادت امیر المومنین) آگاهی داشتند، معنا نداشت رسول خدا صلی الله علیه و آله بفرمایند جبرئیل اکنون نازل شده و می گوید خدا امیرالمومنین علیه السلام را نجات داد و به ام هانی بشارت دهد.

قرینه پنجم : قرار گرفتن در بستر و باور به کشته شدن

از مواردی که احتمال عدم اطلاع امیرالمومنین علیه السلام را تقویت می کند و به عنوان مؤید می تواند تلقی شود، روایت شیخ طوسی، از مجاهد می باشد که در آن ضمن اشاره به جریان همراهی ابابکر با پیامبر صلی الله علیه و آله در غار و واقعه لیله المیت، از زبان عبد الله بن شداد، بیان می کند که امیرالمومنین علیه السلام احتمال شهادت خود در آن شب را می داد و این رشادت قابل مقایسه با حضور ادعایی ابوبکر در غار نمی باشد.

... عَنْ مُجَاهِدٍ، قَالَ: فَخَرَّتْ عَائِشَةُ بِأَبِيهَا وَ مَكَانِهِ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) فِي الْغَارِ، فَقَالَ عَبْدُ

اللَّهِ بْنُ شَدَّادِ بْنِ الْهَادِ: وَ أَيْنَ أَنْتَ مِنْ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ حَيْثُ نَامَ فِي مَكَانِهِ وَ هُوَ يَرَى أَنَّهُ يُقْتَلُ فَسَكَتَ وَ

لَمْ تُحِرْ جَوَابًا.

طوسی، محمد بن الحسن، الأمالی (للطوسی)، ص ۴۴۷، قم، چاپ: اول، ۱۴۱۴ق.

مجاهد می گوید: عایشه به پدرش مباحثات می کرد و به جایگاه پدرش که در غار همراه پیامبر (صلی

الله علیه و آله) بوده است؛ سپس عبد الله شداد گفت: این فضیلت کجا و فضیلت علی ابن ابی

طالب(علیه السلام) کجا؟ زیرا که در مکان پیامبر(صلی الله علیه و آله) خوابید و احتمال می داد کشته می

شود؟! عایشه سکوت کرد و دیگر جوابی نداد.

در این عبارت به صراحت بیان شده است که امر شهادت برای امیرالمومنین یک امر مورد انتظار بود. با توجه به این عبارت و عبارت های گذشته، نمی توان پذیرفت ایشان علم به مصونیت و حفظ خود داشته اند.

علم فعلی نداشتن به یک ماجرا، منافات با علم غیب ائمه علیهم السلام ندارد.

سوالی که در قسمتی از شبهه سوال کننده ذکر شده بود این است که در صورت ندانستن شهادت یا عدم شهادت، ادعای شیعه در مورد علم غیب دچار خلل می شود، در حالیکه با ادله ای که از روایات ذکر می شود روشن میشود که عدم علم به شهادت منافاتی با علم غیب امام علیه السلام ندارد.

علم پیدا کردن امام به وقایع در صورت اراده ی دانستن

نکات متعدد پیرامون علم امام و محدوده آن در روایات مختلف بیان شده است که یکی از این موارد این است امام معصوم، در صورت اراده کردن و خواستن، از مطلبی اطلاع می یابد و اگر اراده ی علم پیدا

کردن به مساله را نداشته باشند مانند افراد معمولی از مطلب آگاه نمی شوند؛ در کتاب کافی شریف از امام

صادق علیه السلام نیز روایتی با همین محتوا ذکر شده است

علی بن محمد وغیره ، عن سهل بن زیاد ، عن أيوب بن نوح ، عن صفوان ابن يحيى ، عن ابن مسكان ،

عن بدر بن الوليد ، عن أبي الربيع الشامي ، عن أبي عبد الله عليه السلام قال : إن الامام إذا شاء أن يعلم علم .

الشيخ الكليني، وفات : ۳۲۹، ج ۱، ص ۲۵۸، تحقیق : تصحیح و تعلیق : علی أكبر الغفاری ، چاپ :

الخامسة، سال چاپ : ۱۳۶۳ ش ، ناشر : دار الكتب الإسلامية - طهران

ابی الربیع الشامی از امام صادق علیه السلام روایت می کند که امام علیه السلام فرمودند: همانا امام

(علیه السلام) اگر اراده ی دانستن چیزی را بفرماید، می داند.

بنابراین اگر اراده ی دانستن مساله ای را نداشته باد، علم به آن پیدا نمی کند.

با توجه به این روایت که به عنوان نمونه بیان شد اثبات می شود که لازمه علم غیب امام این نیست

که امام علی علیه السلام به محفوظ ماندن یا عدم آن علم داشته باشد، و این نقصی را برای امام به

دنبال ندارد. بلکه در صورتی که امام معصوم اراده دانستن مطلبی داشته باشد و علم به آن پیدا نکند، در

این حالت با علم امام معصوم منافات دارد، در جریان ليله المبيت نیز امام علی علیه السلام تا اراده نداشته باشد علم به حقیقت واقعه پیدا نمی کند.

روایاتی که علم حضرت علی علیه السلام به مصونیت را ثابت می کند و نقد آنها

تنها منبعی که این ادعا را نقل کرده است و به عنوان مصدر برای ذکر افراد دیگر قرار گرفته است قول ثعلبی می باشد؛ طبق شأن نزولی که برخی اهل سنت نقل کرده اند، رسول خدا صلی الله علیه وآله به حضرت علی علیه السلام دستور داد که شب هجرت در جایگاه حضرت بخوابد و به ایشان فرمود: هیچ آسیبی به شما نمی رسد.

ثعلبی و روایت علم داشتن امیرالمومنین علیه السلام به عدم شهادت

متن روایت این است:

وقال الثعلبی : ورأيت في الكتب إن رسول الله صلى الله عليه وسلم لما أراد الهجرة خلف علي بن أبي طالب بمكة لقضاء ديونه ورد الودائع التي كانت عنده فأمره ليلة خرج إلى الغار وقد أحاط المشركون بالدار أن ينام علي فراشه صلى الله عليه وسلم وقال له : (إتشح ببردی الحضرمی الأخضر ، ونم علی فراشی ، فإنه لا يخلص إليك منهم مكروه إنشاء الله ، ففعل ذلك علی ،

أبو إسحاق أحمد بن محمد بن إبراهيم الثعلبي النيسابوري الوفاء: ٤٢٧ هـ - ١٠٣٥ م ، تفسير الثعلبي ج ٢ ، ص ١٢٦ دار النشر : دار إحياء التراث العربي - بيروت - لبنان - ١٤٢٢ هـ - ٢٠٠٢ م ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : الإمام أبي محمد بن عاشور ، مراجعته وتدقيق الأستاذ نظير الساعدي.

ثعلبي، مفسر اهل سنت می گوید: من در کتب دیدم، رسول خدا(صلی الله علیه و آله) وقتی تصمیم گرفت هجرت کند، علی ابن ابی طالب (علیه السلام) را جانشین خود در مکه قرار داد، تا دیونش را ادا کند و امانات را نزدش بود، برگرداند، در آن شبی که پیامبر به سمت غار حرکت فرمود و مشرکین خانه را محاصره کرده بودند، به (امیرالمومنین) دستور داد در بسترش بخوابد و پیامبر به او فرمود آن ملحفه سبز من را بر خودت بپوشان و بر بستر من بخواب، اگر خدا بخواهد آسیبی به تو نمی رسد؛ سپس علی (علیه السلام) این کار را انجام داد.

پاسخ : کلام متناقض ثعلبی در مورد علم امیرالمومنین به مصونیت:

جدای از اینکه کلام ثعلبی در نقل آن روایت ، بدون ارائه هیچ سندی بوده و تاییدی برای قبول آن از هیچ منبع معتبری وجود ندارد ، خود ثعلبی نیز روایت دیگری را نقل کرده و مورد استشهاد قرار داده است که منافات با متن این روایت دارد :

فأوحى الله تعالى إلى جبرئيل وميكائيل إني قد آخيت بينكما وجعلت عمر أحدكما أطول من عمر الآخر فأيكما يؤثر صاحبه بالبقاء والحياة؟ فاختار كلاهما الحياة فأوحى الله تعالى إليهما: أفلا كنتما مثل علي بن أبي طالب ج آخيت بينه وبين محمد صلى الله عليه وسلم فبات على فراشه (يفديه) نفسه ويؤثره بالحياة ، إهبطا إلى الأرض فاحفظاه من عدوه

أبو إسحاق أحمد بن محمد بن إبراهيم الثعلبي النيسابوري الوفاة: ٤٢٧ هـ - ١٠٣٥ م ، الكشف والبيان (تفسير الثعلبي) ج ٢، ص ١٢٦، دار النشر : دار إحياء التراث العربى - بيروت - لبنان - ١٤٢٢هـ-٢٠٠٢م ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : الإمام أبي محمد بن عاشور ، مراجعة وتدقيق الأستاذ نظير الساعدي.

در شب ليله المبيت، خداوند متعال به جبرئيل و ميكائيل فرمود: در میان شما برادری ایجاد کردم و عمر یکی از شما دو تن را طولانی تر از دیگری قرار دادم، کدامیک از شما حاضر است زندگی خود را فدای دیگری کند؟ هر دو تن، زندگی را بر مرگ، ترجیح دادند؛ خداوند خطاب به آنها فرمود: چرا مانند علی بن ابیطالب علیه السلام نیستید، که من میان علی و محمد صلی الله علیه و آله، برادری برقرار کردم؛ او در بستر محمد صلی الله علیه و آله وسلم خوابیده تا جان و زندگی خود را فدای او نماید؛ به زمین بروید و او را از شر دشمنان حفاظت کنید.

در این روایت تصریح شده است که امیرالمومنین علیه السلام در بستر خوابیده است تا جان و زندگی خود را فدای رسول اکرم صلی الله علیه و آله کند که طبیعی به نظر می رسد که ایشان از عدم شهادت اطمینان نداشتند و گرنه این سخن معنا نداشت.

با توجه به قرائن موجود در دو منبع ذکر شده که نشان می داد که ایشان خود را آماده شهادت کرده بودند و خبر نجات یافتن امیرالمومنین بعد از شب ليله المبیت توسط جبرئیل، که مشخص کرد خود رسول خدا هم از این سرنوشت بی اطلاع بودند و همچنین ضعف نقل ثعلبی که تنها منبع ذکر مصونیت امیر المومنین علیه السلام می باشد و همچنین روایت متضاد با آن، به این نتیجه می رسیم که علم امیرالمومنین به حفظ جان، حرفی بدون دلیل می باشد.

اثبات فضیلت در صورت پذیرش روایت ثعلبی

همانطور که در پاسخ اول و دوم ثابت کردیم ، حتی اگر ثابت شود حضرت علی علیه السلام علم به عدم شهادت خویش داشتند ولی بازهم این منافات با مدح خوابیدن حضرت علی علیه السلام یر جایگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله ندارد !

مقایسه خوابیدن امیر المومنین در بستر پیامبر با همراهی ابابکر در غار با پیامبر

با مراجعه به کتب مشهور اهل سنت، مشخص می شود که ابابکر، همزمان با این مجاهدت امیرالمؤمنین علیه السلام، درغار همراه پیامبر بوده است و علی رغم اینکه پیامبر او را بارها دعوت به صبر و سکوت کردند و با اینکه آیه بر پیامبر نازل شد «لاتحزن الله معنا»، اما باز هم ابوبکر آرامی نداشت و با این ناراحتی خود نزدیک بود جایگاه مخفی رسول خدا را به دشمنان نشان دهد؛ به راستی اگر ابوبکر همانند امیرمومنان علی علیه السلام از سخنان پیامبر (صلی الله علیه وآله) به یقین رسیده بود، پس چرا بارها و بارها رسول خدا (صلی الله علیه وآله) او را از بی تابی و حزن نهی کرده اند؟!

علم به عدم شهادت بزرگ ترین فضیلت

به فرض که روایت های بی سند و مدرک، نظیر مطالب ثعلبی را که بیان کرده است که امیرالمومنین علم به عدم شهادت خود داشته اند را بپذیریم، بازهم طبق مبانی تصدیق شده خود اهل سنت، این علم به عدم شهادت و قرار گرفتن در بستر ایشان، بزرگ ترین فضیلت برای امیرالمومنین به حساب می آید، زیرا که این علم داشتن به عدم شهادت یا به خاطر داشتن علم غیب است و یا به خاطر ایمان کامل داشتن به وعده های الهی و کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله بود که با یک بار وعده خدا اطمینان و

ایمان برای امیرالمومنین علیه السلام حاصل شد، در هر دو فرض، والاترین شاخص برای یک صحابه و یک مسلمان تلقی می شود زیرا که این علم داشتن به عدم شهادت یا به خاطر علم غیب می باشد که خود نشان می دهد مقام ایشان به خاطر داشتن علم غیب از همه صحابه بالاتر است، زیرا که هیچکدام از صحابه این ویژگی را نداشته اند، بنابراین ایشان برترین صحابه بوده اند که ابوبکر نیز یکی از این صحابه می باشد، یا ایشان علم غیب نداشته اند و به دلیل اعتماد به وعده و باور الهی این مأموریت را انجام داده اند و با یک ندای رسول اکرم صلی الله علیه و آله که خطری او را تهدید نمی کند، قدم در این میدان خطرناک گذاشتند، که خود نشان دادن مقام یقین و اطاعت ایشان می باشد، همان مقامی که ابوبکر به کمترین مقدار از آن برخوردار نبود و نه بایک بار وعده به مصونیت و حفظ بلکه با خطاب های مکرر رسول خدا صلی الله علیه و آله هم آرام نگرفت.

برای بررسی وقایع غار و حالات ابابکر در این واقعه و دعوت مکرر رسول خدا صلی الله علیه و آله از او به صبر، به این نشانی مراجعه فرمایید.

<http://www.valiasr->

[aj.com/persian/shownews.php?idnews=6354](http://www.valiasr-aj.com/persian/shownews.php?idnews=6354)

موفق باشید

گروه پاسخ به شبهات

مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولیعصر عجل الله تعالی فرجه الشریف